

برو پی‌تی‌کو!

• طاهره ایبد

می‌پریم روی اسبم. مامان می‌گوید: «مواظب باش!»

با پایم می‌زنم به پهلوی اسبم و می‌گویم: «برو، هی برو!»

اسبم پی‌تی‌کو، پی‌تی‌کو می‌رود. روی زین اسب، بالا و پایین می‌شوم. مامان می‌گوید: «یواش‌تر!»
من مثل مامان نمی‌ترسم. دوست دارم اسبم تند برود؛ خیلی تند. از اسب رستم هم تندتر، از اسب زور و هم تندتر.

اسبم می‌رود توی جنگل. پی‌تی‌کو، پی‌تی‌کو، پی‌تی‌کو از لای درخت‌ها رد می‌شود. می‌رسیم به رودخانه.
می‌گویم: «نترس اسب من! پپر!»

از روی رودخانه می‌پرد. به طرف کوه می‌دود. از کوه بالا می‌رود. به درّه که می‌رسیم، یک‌دفعه
اسبم می‌ایستد؛ دیگر نمی‌رود. می‌گویم: «برو حیوون!»

نمی‌رود. مامان می‌گوید: «بیا پایین!»

دل نمی‌خواهد و می‌گویم: «مامان یه سگه‌ی دیگه! یه سگه‌ی دیگه بنداز!»

